

قفسی برای تنهایی

الهام ستوده



زمستان ۱۳۹۱

نشرشادان



انتشارات شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی

دفتر مرکزی :

تهران . کوی نصر (گیشا) . خیابان جوادفاضل جنوبی .

شماره ۱۰۲ . تلفن : ۸۸۲۶۷۲۹۸ - ۸۸۲۴۱۰۲۰

فروشگاه (آینده) :

تهران . کوی نصر . بین خیابان یازدهم و سیزدهم .

شماره ۲۰۲ . تلفن : ۸۸۲۶۹۶۶۰ - ۸۸۲۷۴۶۷۷

www.shadan-pub.com

shadan@shadan-pub.com

قفسی برای تنهایی

نویسنده : الهام ستوده

نوبت چاپ : اول - زمستان ۱۳۹۱

ویراستار : کورش پاکفر

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۷۴-۱

کتابخانه ملی : ۲۸۳۸۸۷۴

تیراژ : ۲۵۰۰ جلد

قیمت : ۱۰۹۰۰۰ ریال

ستوده . الهام

قفسی برای تنهایی - نویسنده : الهام ستوده

تهران : شادان ۱۳۹۱ ۳۰۵ صفحه /

ارمان ۱۱۴۵

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۹-۷۴-۱

ISBN : 978-964-2919-74-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا .

داستانهای فارسی - قرن ۱۴

ق ۷ ت ۸۳ / PIR ۸۰۹۵

۱۳۹۱

کتابخانه ملی ایران

۸۵۳,۶۲

۲۸۳۸۸۷۴

یادآوری : کپی حقوق این اثر متعلق
به انتشارات شادان می باشد و هر گونه
استفاده از آن با مجوز ناشر مجاز است.



غیرمجاز برای
دانلود رایگان

استفاده از کتابهای شادان برای قرار

دادن در سایت های مختلف به هر شکل -

غیرمجاز و به دور از اصول اخلاقی است.

یک قصه همیشه از عشق شروع می‌شود اما از بطن عشق،
زندگی زاییده می‌شود. عشق نامرادی نمی‌سازد اما، نامرادی‌ها
زندگی را به گذرگاه‌های تاریک و سیاه چاله‌ها می‌کشاند.

تقدیم به همسرم،

او که سایه‌بان باورش را بر سرم گسترده

تا گامی به جلو بردارم.

نویسنده _____

Microsoft Internet Explorer

File Edit View Favorites Tools Help

Back Stop Refresh Home Search Favorites History

Address http://www.shadan-pub.com

Go

همراهان گرامی :

برای اطلاع از موارد ذیل به سایت ما مراجعه کنید:

- گپ و گفتگو در مورد همه کتاب‌ها و اطلاع از نظر دیگران
- آخرین اطلاعات کتاب‌های منتشره و صفحانی از متن
- خرید از طریق اینترنت برای هموطنان داخل و خارج از کشور

www.shadan-pub.com www.shadan.ir

e-mail: shadan@shadan-pub.com

کتابفروشی اینترنتی شادان : www.shop.shadan-pub.com

مکاتبه با نویسنده : e-mail: esotudeh@gmail.com

Internet Explorer

زمانِ درست...

به راستی اگر این امکان وجود داشت که با دانسته‌ها و تجربیاتِ امروزمان دوباره زندگی کنیم، چه می‌کردیم؟ من که تصور می‌کنم اولین، کوتاه‌ترین و سراسرست‌ترین پاسخ این است: «سعی می‌کردیم هر کاری را در زمانِ درست و به موقع انجام دهیم!».



اما می‌دانم و می‌دانید که این یک خیال است و انجام شدنی نیست. البته خالی که به نحوی و شکلی دیگر امکان وقوع دارد و تمامی ما گاهی به آن رسیده‌ایم: زمانی که اتفاقاً انتخابِ راه درست را در زمانِ صحیح انجام داده‌ایم!

دیروز در انتخاب‌مان خطا کردیم و امروز به اندازه‌ای تجربه کسب کرده‌ایم که می‌دانیم راه درست کدام بوده است، و اکنون نیز مسیری را برمی‌گزینیم که تجربه لازم را فردا به دست می‌آوریم. ظاهراً رسم زندگی بر آن است که ما زمانی به دانستن برسیم که دیگر برای آن موضوع خاص دیر شده است... انگار که همیشه باید دیر برسیم!

در مورد زندگی و درک معنای آن - که دغدغه همیشه ماست - نیز این قاعده برقرار است و معمولاً هنگامی متوجه می‌شویم که فرصت چندانی برای تغییر و اجرائش نیست. تلاش و دویدن و تمرکز بر به دست آوردن‌ها در زندگی چنان ما را به خود مشغول می‌کند

که دلیل اصلی را به فراموشی می‌سپاریم. این که تمامی تلاش‌های روزمره تا کجا درست است پاسخی سراسر ندارد ولی این که زندگی را چقدر باید ساده یا پیچیده در نظر گرفت احساسی است که در افراد، متفاوت است.

تصور می‌کنم همه ما بالاخره روزی - دیر یا زود - با خود خلوت می‌کنیم و به این موضوع که زندگی ساده‌تر از آن است که بیش از حد جدی گرفته شود فکر می‌کنیم. البته آن کسی که زودتر کلاهش را قاضی خود کند، همان کسی است که کار درست را در زمان درست انجام داده و کمتر از دیگران نیازمند حسرت زندگی دوباره می‌شود. دیگران هم نقش همان دیر رسیدن را بازی می‌کنند و در آرزوی فرصت دوباره در خیال می‌مانند.

شاید این جمله دور از واقعیت نباشد که یک آدم موفق در زندگی (که به نظرم متفاوت است با موفقیت در کار و تحصیل و موقعیت اجتماعی و...) کسی است که کمترین حسرت را نسبت به انتخاب‌های گذشته‌اش داشته باشد. یعنی کسی که خیلی نیازمند خیال‌بازی‌های ذهنی برای اصلاح روزهای رفته‌اش نیست و می‌داند از زندگی چه چیزی و چه اندازه می‌خواهد: به موقع می‌رود، می‌دود، تلاش می‌کند و درست سر وقت می‌ایستد.

باری، قصه پیش رو نیز از این قاعده مستثنی نیست. آدم‌هایی با مسیرهای مختلف که مثل من و شما گاهی نیازمند مرور هستند تا ببینند که کجاها می‌توانستند انتخاب بهتری کرده باشند. شاید هم خواندن دیگران - که ما قصه می‌نامیم آن را - به ما کمک می‌کند تا کمتر دچار حسرت‌های ذهنی شویم. بالاخره هر چه باشد ما گاهی هم از مرور دیگران برای بازخوانی خودمان استفاده می‌کنیم تا همواره دیر نرسیم!

زندگی‌تان به هنگام...

بهمن رحیمی

دی ماه ۱۳۹۱ - تهران

سید الهام